

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# العالم الإسلامي

الدرس الثاني



فهرست

أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

التَّمارين

بدانيم

فعل مضارع (أ)

المُعْجَم

الأَرْبَعِيَّات

كَنْزُ الْحِكْمَةِ



# أسعار

قيمتها

مفرد : سِعْر = قِيَمَة



# إيجار

## كرايه ، اجاره



## إيجار السّيارات



# بِطَاقَةُ الْهُوِيَّةِ

## كارت شناسائی



# تَخْفِيز

## تخفيف



# تَعَلَّم

## یاد گرفتن



جَعَلَ

قرار داد





حَدَّاد

آهنگر



حَسَنًا

بسیار خوب



حَيَّاكَ اللهُ

زننده باشی



# آلخامس

پنجم



# خَبَّاز

## نانوا



# ذاتِ ثلاثَةِ أُسِرَةٍ

دارای ۳ تخت



سَاعَدَكَ اللَّهُ

خسته نباشی

خسته نباشی



# طابق

طبقة « جمع : طَوَائِقِ »



بَيْتٌ طَائِقِ أَوَّلِ لِلأَيْجَارِ





# طَعَام

غذا « جمع : أَطْعِمَة »

## طعام

فرهنگ فارسی عمید

هرچیز خوردنی؛ خوراک؛ خوراکی.

lamtakam.com



عالم ، عالميَّة ، عالمين

جهان ، جهاني (بين المللي)، جهانيان



عِنْدَكُمْ

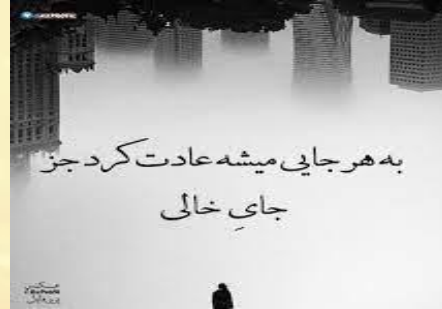
دارید ، نزد شما

عِنْدَكُمْ يَتُّ كَبِيرُ  
يَتُّ كَبِيرُ عِنْدَكُمْ



# فَارِغ

## خالی



قَدَرَ

توانست

هُوَ قَدَرَ



انگار

گویا ، انگار

گویا



گنم

پنهان کرد



مُكَلِّ

لَا تَهْتَفِ بِمَنْ كَلَّ مَرِيضًا



همه ، هر  
مُكَلِّ الرَّجَالِ : همه مردان  
مُكَلِّ رَجُلٍ : هر مردی





# لا بَأْسَ

## اشکالی ندارد



مُبین

آشکار ، آشکار کننده



# مُحَدَّد

## مشخص



مشخص  
(مُ شَخَّ) [ع.] [امف.]  
معین، معلوم.  
فرهنگ فارسی معین  
جدول یاب



مِصْعَد

آسانسور



مُنْظَمَة

سازمان

مُنْظَمَة الأمم المتَّحِدَة :

سازمان ملل متحد



# مَمزُوج

## آمیخته

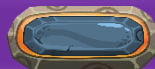


# مِنْ قِبَلِ

## از طرف

### نامه‌ای از طرف خدا

طاقت بیار... حتی آکه  
طناب طاقت به باریک‌ترین  
قسمتش رسیده، من هستم...  
غصه هیچی رو نخور...  
من درستش می‌کنم...!



# نُریدُ

## می خواہیم





# نُصوص

## متن ها

نصوص أدبية



يُمْكِنُ

ممکن است



## أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

اهمیت زبان عربی

● (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) لِأَنَّ نَجْحَنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ عَلَى قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ.

حمد و سپاس برای خدا پروردگار جهانیان ، برای اینکه ما در سال گذشته موفق شدیم و قادر به خواندن عبارات و متن های ساده عربی هستیم

● نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِأَنَّهَا لُغَةٌ دِينِنَا، وَ اللُّغَةُ الْفَارِسِيَّةُ مَمْزُوجَةٌ بِهَا كَثِيرًا.

ما به یادگیری زبان عربی نیازمندیم زیرا آن زبان دین ماست ، و زبان فارسی بیشتر با آن آمیخته است.

● إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

همانا زبان عربی از زبانهای جهانی است.

● الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ ﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ﴾.

قرآن و حدیثها (به زبان عربی آشکار است)



ادامه



● **الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.**

عربی از زبانهای رسمی در سازمان ملل متحد است.

● **الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا**

ایرانی ها به زبان عربی بسیار خدمت کرده اند

● **الْفَيْرُوزْآبَادِيُّ كَتَبَ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ**

فیروز آبادی یک لغت نامه نوشته است در زبان عربی که اسمش «القاموس المحيط» می باشد

● **وَسَيَّبُويَه كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمُهُ الْكِتَابُ**

و سیبویه نوشته است اولین کتاب کامل را در قواعد زبان عربی که اسمش «الکتاب» است.



ادامه



● أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

بیشتر اسم های پسران و دختران در جهان اسلام، عربی است.

● الْكَلِمَاتُ الْعَرَبِيَّةُ، كَثِيرَةٌ فِي الْفَارْسِيَّةِ وَ هَذَا بِسَبَبِ احْتِرَامِ الْإِيرَانِيِّينَ لِلُّغَةِ الْقُرْآنِ.

کلمات عربی در فارسی بیشتر است و این به سبب احترام ایرانی ها به زبان قرآن است.

● أَنَا أَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ أَذْكَرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ أَقْدِرُ عَلَى قِرَاءَةِ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ. جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ:

من معنی بیشتر کلمات را می دانم و به یاد می آورم همه ی کلمات سال گذشته را و قادر به خواندن متن های ساده هستم. در مثالها آمده

● «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»

«دانش در کودکی مانند نقش در سنگ است»

● يَا أَخِي، أَأَنْتَ تَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أَيْضًا؟

ای برادرم آیا تو هم می دانی معنی کلمات کتاب اول را؟

● يَا أُخْتِي، أَأَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

ای خواهرم، آیا تو معنی آیات و احادیث آسان را می فهمی؟



ادامه



## فعل مضارع (١)

أَفْعَلُ الْمُضَارِعُ ← أَفْعَلُ ، تَفَعَّلَ ، تَفَعَّلَيْنِ



أَنْتِ تَحْفَظِينَ الْقُرْآنَ بِدِقَّةٍ. 🌍

تو قرآن را به دقت حفظ می کنی. تو قرآن را خوب حفظ می کنی.



أَنْتِ تَحْفَظُ الْقُرْآنَ جَيِّدًا. 🌍

تو قرآن را به دقت حفظ می کنی.



أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَحْمَرِ. 🌍

من با قلم سرخ می نویسم



أَنَا أَكْتُبُ بِالْقَلَمِ الْأَسْوَدِ. 🌍

من با قلم سیاه می نویسم



## بدانیم

سال گذشته با فعل ماضی آشنا شدید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد. امسال با فعل مضارع آشنا می شوید. فعل مضارع بر زمان حال و آینده دلالت می کند.



مقایسه ی فعل ماضی و فعل مضارع



فعل مضارع

فعل ماضی

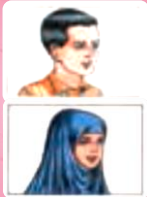


أَنَا أَفْعَلُ من انجام می دهیم

اول شخص جمع « متکلم مع الغير »

أَنَا فَعَلْتُ من انجام دادم

اول شخص مفرد « متکلم وحده »



أَنْتَ تَفْعَلُ تو انجام می دهی

دوم شخص مفرد « مفرد مذکر مخاطب »

أَنْتَ فَعَلْتَ تو انجام دادی

دوم شخص مفرد « مفرد مذکر مخاطب »



أَنْتِ تَفْعَلِينَ تو انجام می دهی

دوم شخص مفرد « مفرد مؤنث مخاطب »

أَنْتِ فَعَلْتِ تو انجام دادی

دوم شخص مفرد « مفرد مؤنث مخاطب »



ادامه





بیشتر کلمه هایی که بر آهنگ «فَعَلَ ، فَعِلَ و فَعُلَ» هستند؛ فعل ماضی اند و اگر بر سر آنها

یکی از حروف «أ ، ت ، ن ، ی» بیاید؛ به فعل مضارع تبدیل می شوند؛

مثال: ذَهَبَ ← أَذْهَبُ ، تَذْهَبُ ، تَذْهَبِينَ



فعل مضارع

فعل ماضی

می روم	أَذْهَبُ	رفتم	ذَهَبْتُ
می سازم	أَصْنَعُ	ساختم	صَنَعْتُ
می دانی	تَعْلَمُ	دانستی	عَلِمْتُ
می کاری	تَزْرَعُ	کاشتی	زَرَعْتُ
می شناسی	تَعْرِيفُ	شناختی	عَرَفْتُ
می پذیری	تَقْبَلُ	پذیرفتی	قَبِلْتُ



# التَّمارِين

التَّمرِينُ الأوَّلُ

التَّمرِينُ الخَامِسُ

التَّمرِينُ الثَّانِي

التَّمرِينُ السَّادِسُ

التَّمرِينُ الثَّالِثُ

التَّمرِينُ السَّابِعُ

التَّمرِينُ الرَّابِعُ



## التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

با توجه به متن درس جمله های درست و نادرست را معلوم کنید.



نادرست

درست



آفرین



۱. قَلِيلٌ مِنْ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٍّ.

آفرین



۲. كَتَبَ سَيبَوَيْهِ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ.



آفرین

۳. كَتَبَ الْفِيْرُوْزْآبَادِيُّ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

آفرین



۴. الْإِيْرَانِيُّوْنَ خَدَمُوْا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ قَلِيْلًا.





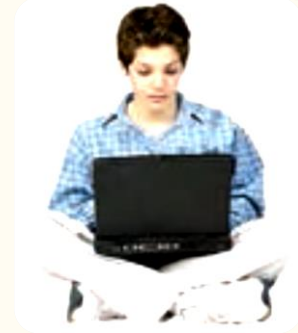
أَتَذْهَبِينَ مَعَ أُخْتِكِ؟  
لا؛ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقَتِي.



هَلْ تَصْنَعُ كُرْسِيًّا؟  
لا؛ أَصْنَعُ مِئْزَةً.



يَا سَيِّدَةٌ، مَاذَا تَفْعَلِينَ؟  
أَقْرَأُ آيَاتِ مِنَ الْقُرْآنِ



يَا وَلَدُ، مَاذَا تَفْعَلُ؟  
أَنْظُرُ إِلَى صُورَةٍ .



ای پسر ، چه کار می کنی؟ ای خانم چه کار می کنی؟  
به عکس نگاه می کنم آیاتی از قرآن را می خوانم .  
آیا یک صندلی می سازی؟ نه ، یک میز می سازم .  
آیا با خواهرت می روی؟ نه با دوستم می روم

التَّمرِينُ الثَّالِثُ هر کلمه را به توضیح مرتبط با آن وصل کنید «یک کلمه اضافه است»

الْأُمَّهَات



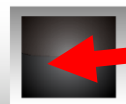
اللِّسَان



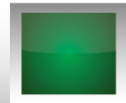
الْجَهْل



حُسْنُ الْخُلُق



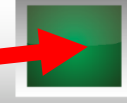
الْجُنْدَى



الذَّهَب



بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِيهِ



مَوْتُ الْأَحْيَاءِ



نِصْفُ الدِّينِ



الْوَقْتُ مِثْلُهُ



الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِهِنَّ



## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

ترجمه کنید. سپس فعل ماضی و مضارع را مشخص کنید.

و قرار دادیم از آب همه چیز را زنده



۱. « وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا » الْأَنْبِيَاءُ ۳۰

تو قبول کردی سخن پدرت را و الان به آن عمل می کنی



۲. أَنْتَ قَبِلْتَ كَلَامَ وَالِدِكَ وَ الْآنَ تَعْمَلُ بِهِ.

تو حفظ کردی سوره نصر را و الان حفظ می کنی سوره قدر را



۳. أَنْتِ حَفِظْتِ سُورَةَ النَّصْرِ وَ الْآنَ تَحْفَظِينَ سُورَةَ الْقَدْرِ

من داخل کلاس هشتم شدم و تو داخل کلاس پنجم می شوی



۴. أَنَا دَخَلْتُ الصَّفَّ الثَّامِنَ وَ أَنْتَ تَدْخُلُ الصَّفَّ الْخَامِسَ.

فعل های مضارع

تَعْمَلُ

تَدْخُلُ

تَحْفَظِينَ

قَبِلْتَ

دَخَلْتُ

حَفِظْتِ

جَعَلْنَا

فعل های ماضی



## التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. أَأَنْتَ ..... **طَرَقْتَ** ..... الأَبَابَ قَبْلَ دَقِيقَتَيْنِ؟  
تَطْرُقُ ✓ طَرَقْتَ ✗
۲. أَنَا ..... **أَبْحَثُ** ..... عَنِ طَرِيقِ الْجَنَّةِ فِي حَيَاتِي .  
أَبْحَثُ ✗ أَبْحَثُ ✓
۳. يَا حَدَادُ أَأَنْتَ ..... **عَمِلْتَ** ..... فِي الْمَصْنَعِ أَمْسٍ؟  
تَعْمَلِينَ ✓ عَمِلْتَ ✗
۴. يَا أُخْتِي، هَلْ ..... **أَكَلْتُ** ..... الطَّعَامَ قَبْلَ دَقِيقَةٍ؟  
شَرِبْتُ ✗ أَكَلْتُ ✓
۵. أَأَنْتِ ..... **تَبْدَأِينَ** ..... بِجَمْعِ الْفَوَاكِهِ بَعْدَ يَوْمَيْنِ؟  
تَبْدَأِينَ ✗ تَبْدَأِينَ ✓
۶. أَيُّهَا الْخَبَّازُ الْمُحْتَرَمُ ، هَلْ ..... **تَعْمَلُ** ..... بَعْدَ دَقَائِقَ؟  
تَعْمَلِينَ ✗ تَعْمَلُ ✓





## التَّمْرِينُ السَّادِسُ

مانند مثال ترجمه کنید.

								↶	
نگاه می کنی	تَنْظُرِينَ	نگاه می کنی	تَنْظُرُ	نگاه می کنم	أَنْظُرُ	نگاه کرد	نَظَرَ:		
می پرسی	تَسْأَلِينَ	می پرسی	تَسْأَلُ	می پرسم	أَسْأَلُ	پرسید	سَأَلَ:		
اجازه می دهی	تَسْمَحِينَ	اجازه می دهی	تَسْمَحُ	اجازه می دهم	أَسْمَحُ	اجازه داد	سَمَحَ:		
یاد می کنی	تَذْكُرِينَ	یاد می کنی	تَذْكُرُ	یاد می کنم	أَذْكُرُ	یاد کرد	ذَكَرَ:		



در گروه های  
دو نفره مکالمه  
کنید

## التَّمْرِينُ السَّابِعُ

پاسخها اختیاری است .

۱- كَيْفَ حَالِكَ؟ بِخَيْرٍ

كَيْفَ حَالِكَ؟

پاسخ (اختیاری)

مَا اسْمُكَ؟

مَا اسْمُكَ؟

اسمی ...

مَنْ أَنْتَ؟

مَنْ أَنْتَ؟

أنا طالبٌ

أَيْنَ أَنْتَ؟

أَيْنَ أَنْتَ؟

سَرَاب

هَلْ أَنْتَ مِنْ كَرَجٍ؟

هَلْ أَنْتَ مِنْ كَرَجٍ؟

لا



كَنْزُ الْحِكْمَةِ

برای هرچیزی راهی است و راه بهشت دانش است.



دانش بهتر از عبادت است



زکات علم نشرو پراکندن آن است .



کسی که سوال کرد ، دانست . (هر کس سوال کند، می داند)



هرکس دانشی را پنهان کند ، پس مثل اینکه او نادان است .



حدیث اول و دوم از پیامبر اسلام (ص) و حدیث سوم تا پنجم از حضرت علی (ع) است

۱- لِكُلِّ شَيْءٍ طَرِيقٌ وَ طَرِيقُ الْجَنَّةِ الْعِلْمُ .

۲- الْعِلْمُ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ .

۳- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ .

۴- مَنْ سَأَلَ ، عَلِمَ .

۵- مَنْ كَتَمَ عِلْمًا ، فَكَأَنَّهُ جَاهِلٌ .

إيجارُ العُرْفَةِ في كَرْبَلَاءِ  
اجاره اتاق در کربلا

صوت

حَيَّاكَ اللهُ! زنده باشی!

نَعَمْ؛ عِنْدَنَا فِي الطَّابِقِ الرَّابِعِ. بله؛ در طبقه چهارم داریم.

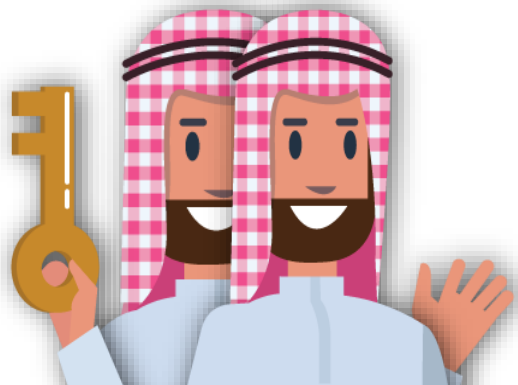
لا؛ ما عِنْدَنَا، لَكِنْ، أَلْمِصْعَدُ مَوْجُودٌ؟  
نه؛ نداریم، ولی  
آسانسور هست؟

لا بَأْسَ؛ هَذَا مِفْتَاحُ العُرْفَةِ. اشکالی ندارد؛ این کلید اتاق  
است.

سَاعَدَكَ اللهُ!  
خسته نباشی (خدا قوت)! آیا اتاق خالی دارید؟ دارای سه  
هَلْ عِنْدَكُمْ عُرْفَةٌ فَارِغَةٌ ذَاتُ ثَلَاثَةِ أَسْرَةٍ؟ تخت؟

أَ مَا عِنْدَكُمْ فِي الطَّابِقِ الْأَوَّلِ؟ آیا در طبقه اول  
ندارید؟

حَسَنًا، نُرِيدُ رُؤْيَةَ العُرْفَةِ. بسیار خوب،  
می خواهیم اتاق را ببینیم.



ادامه مطلب



أمامك لوحة الإيجارات. روبرويتان تابلو اجاره هاست.

نه؛ زیرا قیمت ها از طرف دولت مشخص شده است. شما چند شب در کربلا میمانید؟

لا؛ لَأَنَّ الْأَسْعَارَ مُحَدَّدَةً مِنْ قِبَلِ الْحُكُومَةِ.

گم لیلۃ انتم فی کربلاء؟

این بطاقات هویتان کجاست؟ کارت شناسایی تان کجاست؟

ترجمه

صوت



گم ایجارها؟ اجاره اش چقدر است؟

هل يمكن التخفيض؟ آیا امکان تخفیف هست؟

ثلاثة ليالٍ. سه شب.

هذه بطاقتنا. این کارت شناسایی ماست.



# می خواهی خارج شوی؟

